

هنری فراموش شده به نام

قفل سازی سنتی

آشنایی با تاریخچه، انواع و معانی نمادین قفل های سنتی

به همراه گفت و گو با استادی که نامش با عنوان «گنجینه زنده بشری در قفل سازی سنتی»

در فهرست میراث ملی ثبت شده است

محمدعلی محمدپور | روزنامه نگار



تماشای صحنه به جا مانده از یک سرت در خانه مان پس از بازگشت از یک مهمانی یا سفر، به طور قطع مطلوب هیچ کدامان نیست و ما برای پیشگیری از همین اتفاق به ورودی خانه مان قفل می زنیم. همان طور که به در مغازه، کشاورها یا در ادار و خودروها یا در هم قفل می زنیم. شاید امروزه قفل های بیشتر جنبه حفاظتی و امنیتی پیدا کرده باشند اما از گذشته تا به امروز قفل ها در گذر تاریخ قصه و ماجرای خودشان را داشته و جنبه هنری و تزئینی هم پیدا کرده اند. قفل سازی همواره از پیشه های مهم اما پُرس و خست و رنج آور بوده است. قفل ساز برای یاد گرفتن این فن و هنر باید سال ها زانوئی شاگردی می زد تا روزی کار را از استاد بیاموزد و به جایگاه استادی برسد. قفل سازی سنتی را باید ز مجموعه هنر فلز کاری دانست. امروز به رغم همه تحولاتی که در عرصه قفل سازی اتفاق افتاده است هنوز هم در گوشه و کنار این کشور اشکال سنتی قفل سازی به حیات خودش ادامه می دهد، هر چند این هنر زیبا در محاصره صنایع مدرن و بی روح و در سایه بی توجهی و حمایت نشدن بسیار کمتر نگ از گذشته شده است. در پرونده امروز، نگاهی به هنر و صنعت قفل سازی سنتی انداخته ایم و با استاد حسن کوبی یکی از استادان با سابقه قفل سازی این سرزمین گفت و گویی داشته ایم.

پیشینه صنعت قفل سازی در ایران، ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد!

آن چه باید در باره تاریخچه صنعت قفل سازی در ایران بدانیم

پژوهش های تاریخی نشان می دهد قفل کردن خزانه ها، انبار های گندم و پرستش گاه ها در مصر و بین النهرین متداول بوده و تاریخچه استفاده از قفل دست کم به دو هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی گردد. پیشینه صنعت قفل سازی در ایران را بر اساس یافته های باستان شناسی به ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد نسبت می دهند. به عنوان مثال در کاوش های باستان شناسی در تپه سیلک، یک عدد دستبند سنگی پیدا شده که از چهار قطعه مجزا ساخته شده و سپس به وسیله نوعی «بست» به هم وصل شده است. همچنین پیکره نشسته شیری که از معبد شهر شاهی شوش به دست آمده است، به شکلی است که مشخص است همراه با پیکره شیری دیگر به طور مشترک به عنوان کلون دروازه استفاده می شده است.

شکوفایی در دوران صفویه

هنر قفل سازی در دوره ساسانی در ایران بسیار رایج و متداول شده و جنبه آیینی آن بعد از اسلام به خصوص در دوره صفویه به اوج خود رسیده است. در ایران پیش از هجوم مغول ها شهرهایی همچون اصفهان، یزد، اردبیل، کرمانشاه، جهرم و همدان جزو شهرهایی بودند که سازنده قفل سنتی محسوب می شدند. ابزاری که به عنوان قفل به کار گرفته می شده در ابتدا به صورت ساده ساخته می شدند تا تنها بتوانند هدف اصلی را



ر مزی، کلیدی، طلسمی و تزئینی!

آشنایی با انواع قفل های سنتی که از نظر کاربرد با یکدیگر تفاوت های بسیاری دارند

قفل هایی که در گذشته تولید می شد به انواع قفل های ر مزی، قفل های کلیدی، قفل های طلسمی و قفل های تزئینی تقسیم می شد. در ادامه توضیحاتی در باره هر کدام از این قفل ها داده خواهد شد.

قفل ر مزی | بی نیاز از کلید

قفل هایی که بدون کلید باز و بسته می شوند به قفل های ر مزی مشهورند. این قفل ها مرکب از چند حلقه عرضی متحرک است که در هر حلقه حرف یا حروفی نوشته شده و در هنگام باز کردن قفل در کنار هم قرار می گیرند. این قفل ها را به عنوان جد بزرگ قفل های ر مزی می توان در نظر گرفت.

قفل کلیدی | وابسته به کلید

قفل کلیدی به قفل هایی می گویند که با کمک کلید باز و بسته می شود. این قفل ها در انواع مختلفی چون قفل فنر خاردار، قفل فنر خمیده و قفل فنر پیچ دار قابل مشاهده اند. همین دسته از قفل ها امروزه در شکل های جدید خودشان در زندگی روزمره ما کاربرد فراوانی دارند.

قفل طلسمی | مورد علاقه خرافاتی ها

قفل های طلسمی هم از نمونه هایی هستند که انتقال آن نوعی ایمنی و اتکا به صاحب قفل و دور شدن آن از چشم بدخواهان می بخشد و مهم ترین نوع آن موسوم به نظر قربانی بود. این قفل ها شبیه به گردنبند یا آویز و به همان صورت گردنبند های طلسمی ساخته می شد. در آن زمان مادران این قفل ها را به فنداق، کلاه یا لباس کودک می آویختند تا او را از چشم بد مصون کنند. این دسته از قفل ها به سادگی باز می شده تا دارنده اش هر زمان که خواست آن را بگشاید. شاید بتوان گفت که این قفل ها را نه برای بستن، بلکه برای «گره گشایی» می ساختند!

قفل تزئینی | دارای کاربردی نمادین

اما قفل های تزئینی یا تصویری به شکل های گوناگونی از جانوران، تندیس بزرگان، اجزای طبیعت و... هستند نیز دیگر انواع قفل به حساب می آیند. این دست از قفل ها، کاربردی نمادین و اشاره به باور های کهن و اسطوره ای داشتند مانند نمادهای جانوری آهو، بز کوهی، گاو، خروس و اسب. این قفل ها هم جنبه تزئین و زیبایی داشته اند که همچون ساخته های مجسمه سازی، تابلو هنر خالق خودشان می شدند.



که همان حفظ امنیت و مالکیت بود میسر سازند، ولی بعدها حس زیبایی شناسی انسان و تزئین ابزار و وسایل؛ همانی که «ویل دورانت» از آن به عنوان سر آغاز هنر یاد می کند - «هنر وقتی آغاز می شود که انسان به فکر تزئین اشیاء می افتد»، باعث شد تا از این قفل ها، وسایل کاربردی - تزئینی ساخته شود.

قزوین، سردمدار هنر قفل سازی سنتی

شهر قزوین در کنار شهرهایی همچون چالشر چهار محال و بختیاری، تبریز، اردبیل، سمنان، کاشان، اصفهان و یزد به عنوان یکی از شهر های مرکز قفل سازی سنتی کشور شناخته می شود. قفل سازی قزوین با شماره ۱۱۱ در فهرست آثار ناملموس میراث ملی جای گرفته است. مواد اولیه در قفل سازی سنتی؛ شامل فولاد، آهن و آلیاژ های آن است که در ابتدا ورق و مفتول آهنی یا فولادی را در اندازه های مختلف آماده می کنند سپس متناسب با طرح محفظه و اجزای داخلی قفل مواد اولیه را برش می زنند و قطعی یا محفظه قفل را پس از خم کاری ورقه برش می زنند، لحیم و درز گیری می کنند و قطعات داخلی قفل را سوهان کاری می کنند. متناسب با نوع قفل بدنه اصلی را سوراخ کاری و قطعات مختلف شامل دسته فنر و تیغه را به هم پرچ و اسید کاری می کنند تا پر داخت نهایی روی آن انجام شود. در استان قزوین این هنر در کارگاه های خانگی و حتی در منزل انجام می شود.

معانی نمادین قفل های تزئینی

ماجرای قفل هایی به شکل پیکره آهو، اسب، بز کوهی و گردونه خورشید چیست؟



شکل حیوانات از متداول ترین شکل هایی بوده که در قفل سازی سنتی مورد استفاده قرار می گرفته است. در این قسمت چند نمونه از این شکل ها و معانی نمادین و آیینی را که داشته اند با یکدیگر مرور می کنیم.

● **پیکره آهو:** همیشه نماد مظلومیت و بی گناهی یک فرد بوده است و افرادی که آن را در خانه نگهداری می کردند، باور داشتند که به آن ها توسط دوستان، آشنایان و... ظلمی وارد شده که نتوانسته اند در برابرش بایستند. این تصویر همچنین بیانگر نمادهای دیگری چون اندام زیبا، خوراک لذیذ، ظرافت و وقار است.

● **اسب:** نقش دیگری که در هنر قفل سازی دیده می شود نماد ظاهری اسب است که در باور های هنری نماد اسب همچون نماد خورشید، مرگ، شجاعت، قدرت و سرعت تجلی می یابد. از نمادهای دیگر که به این حیوان نسبت داده می شود، نجابت خانوادگی، آزادی، انرژی خورشیدی، حرکت، خیرخواهی، دانش، فهمیدگی و سرسختی است و افرادی که از آن در خانه شان به عنوان یک وسیله زینتی استفاده می کردند، تصور می کردند که چنین ویژگی هایی را دارند.

● **بز کوهی:** نمونه دیگری که می توان به آن اشاره کرد، نماد بز کوهی است که اقوام باستانی آن را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می دانستند. علاوه بر این به دلیل اعتقاد مردم باستان بر رابطه کره ماه با نزول باران و ارتباط خورشید با خشکی و گرما شاخ های خمیده بز کوهی با هلال ماه ارتباطی تنگاتنگ داشت و شاخ های پرپیچ و خم او در نزول باران مؤثر بود. بنابر این نگهداری آن برای افزایش روزی، طرفداران زیادی داشته است.

● **گردونه خورشید:** یکی دیگر از نمادها، نقش چلیپا یا گردونه خورشید است که بعضی می گویند همان مَهری بوده که بر پیشانی ها، دست و سینه زرتشتیان داغ می شده تا نشانی از اعتقادات شان باشد. علاوه بر این نقش چلیپا نشان دهنده چهار گوشه زمین و نماد آشتی بزرگ است که برادری و یگانگی را میان همه جهانیان برقرار می کند و طرفداران صلح، جزو نگهداران چنین قفل هایی در خانه شان بوده اند.

منابع این پرونده: تابناک، معمار نت، ایسنا

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۹
۴ ذی الحجه ۱۴۴۱
شماره ۲۰۴۳۳

۱۶۵۳

عوارض مصرف خودسرانه
«آزیترومایسین» برای
پیشگیری از کرونا

۲

۸ کاربرد نمک برای سلامت
و بهداشت

۲

پشتکار رونالدو
یا استعداد مسی؟!

۳

فر فره | قصه «دالی بازی»
برای کودکان

۴

نگذاریم چراغ این هنر خاموش شود

گفت و گویی با استاد «حسن کوبی» گنجینه زنده بشری در قفل سازی سنتی که بیش از ۵۵ دهه است در این عرصه فعالیت دارد

از هفت سالگی پیش پدر، پای کوره در آتش می دمیده است. امروز این استاد هنرمند با خلایقیت های خودش کارش را به یک هنر تماشایی تبدیل کرده و تماشای قفل هایی به اشکال چشم نواز گوزن، اسب، فیل و خروس، حکایت از یک هنر ظریف و باحوصله دارد. استاد حسن کوبی حالا از میراث داران قفل های زیبای سنتی است که نام او به عنوان «گنجینه زنده بشری در قفل سازی سنتی» به شماره ۳۳ در فهرست میراث ملی ناملموس ثبت شده است. او در این روزهای کرونایی کارگاه را تعطیل کرده و خانه نشین است اما خودش می گوید هر موقع کرونا کم شود به کارگاهش باز خواهد گشت. برای آشنایی با این هنر کمتر شناخته شده و در معرض فراموشی، با او گفت و گویی کردیم که نظر تان می گذرد.

خود من این کار را دوست دارند. گاهی آن را انجام می دهند اما واقعا در آمد خوبی ندارد. در نتیجه مشکلات زندگی شان بهشان اجازه نمی دهد بیایند این کار را انجام دهند. خود من هم حقوقم را از بیمه می گیرم و این کار را فقط از روی عشق ادامه می دهم. از نظر زمان بر بودن بهتان بگویم که بعضی قفل ها پیش می آید که ۲۰ روز تا چهار ماه رویشان وقت می گذارم. شاید تعجب کنید وزن بعضی از این قفل ها به ۶-۷ کیلو گرم هم می رسد. به نظرم جوانی بخواد وارد این کار شود با این وضع گرانی ها برایش صرف نمی کند. اما به نظرم لازم است برنامه ریزی و وجود داشته باشد که چراغ این هنر روشن باقی بماند.

● **ماجرای عجیب قطع شدن دستان پدر بزرگ سر قفل صندوق**

استاد کوبی خاطره عجیبی هم از دوران زندگی پدر بزرگش دارد که آن را در پایان صحبت اش این گونه روایت می کند: «یک گاوصندوقی در بانک سپه واقع در سبزه میدان قزوین بسته مانده بوده. پدر بزرگم که در شهر به عنوان قفل ساز ماهر شهرت داشته فراخوانده می شود تا قفل را باز کند. اما بالای سر گاوصندوق که می رسد متوجه می شود این کار قابل انجام به نظر نمی رسد. به همین دلیل می گوید هر کس این قفل را بتواند باز کند من دست راستم را قطع خواهم کرد. این را به خاطر

اطمینانی که از کارش داشته گفته. بعد از پدر بزرگم این بار پدرم را سر صندوق می برند. البته پدرم خبر نداشته که قبلا پدرش بر سر صندوق حاضر شده و آن حرف را زده است. پدرم که حافظه بهتری داشته، هوش خودش را به کار می بندد و در نهایت در گاوصندوق خودش راه می بندد و برای باز می کند. برای پدر بزرگم خبر می برند چه نسته ای که بسرت در گاوصندوق را باز کرده. پدر بزرگم می آید سر صندوق می رود. صندوق را به پشت می اندازند و در آن بالا قرار می گیرد. پدر بزرگم می خواهد نگاه کند پسرش چطور صندوق را باز کرده که دستش لای در صندوق می رود. در هم که خیلی سنگین است باعث می شود دست پدر بزرگم از گنج قطع شود.»



قفل سازی میراث خانوادگی ماست

قدیم که قفل ها پای کوره ها با ادوات آهنگری و با زحمت ساخته می شدند، برای بالا رفتن درجه حرارت آتش و بهتر سوختن یک نفر وظیفه داشته در آتش بدمد. استاد کوبی به گفته خودش کارش را از همین جاد در کارگاه پدرش آغاز کرده است، او می گوید: «من از ۷ سالگی شروع کردم. آن موقع فلزها باید پای کوره شکل می گرفتند و قفل های پیچ نیاز به آبتکش داشتند. کار من دمیدن پای آتش بود. قفل سازی کار آبا و اجدادی من است. شغل جد من، پدر بزرگم و پدرم همین قفل سازی بوده است. خودم قفل سازی کرده ام و بچه هایم نیز در کار قفل و کلید سازی هستند. می توانم بگویم این حرفه را به طور جدی از ۱۴ سالگی شروع کردم و آن را پیش پدرم آموختم. تا این که قفل های جدید و مدرن آمد و مسیر قفل سازی تا حدودی عوض شد. البته من فعالیت در عرصه قفل های سنتی را ادامه دادم. کار های هنری که در این باره می کنم ساخت قفل به شکل های مختلف است. شکل حیوانات، اجزای طبیعت و همچنین تندیس بزرگانی مانند حافظ و سعدی و مولوی شکل هایی است که من در قفل ها می سازم شان. باید بگویم کل این کار از ابتکار خودم می آید و لنگه اش را جای دیگری پیدا نمی کنید. هم اکنون نزدیک به ۸۰ قفل تزئینی دارم که هر کدام شکل منحصر به فرد و متفاوتی دارند.»

اراده ای برای حفظ این هنر نیست

عکس هایی از آثار هنری آقای کوبی در سایت های میراث فرهنگی و خبرگزاری ها وجود دارد. از او می پرسیم آیا حمایتی برای حفظ این هنر از طرف میراث فرهنگی انجام می شود که با ابراز تاسف پاسخ می دهد: «چند باری کسانی آمده اند از کار های من عکس گرفته و رفته اند. در نهایت می گویند این کار تو به درد موزه می خورد، همین. هیچ حمایتی وجود نداشته که این کار به عنوان یک هنر حفظ شود. هیچ برنامه ای نداشته اند که کسانی بیایند این کار را یاد بگیرند تا هنر قفل سازی سنتی حفظ شود. بچه های